

# سیچقان ئیل

قسمت دوم

پیشگوی سومی : درآمد کشاورزان زیاد می شود .  
پیشگوی اولی : « کاملاً در آرامش و سکون خواهیم بود و از این بگومگوها و به اصطلاح گانگسر بازی بیگانه خبری نخواهد بود . » این سال یکی از درخشانترین سالها خواهد بود و این بیشتر بدان سبب است که وارد نیمه دوم قرن خواهیم شد .

پیشگوی دومی : سال بسیار خوب از نظر ورزش . « تیم های ورزشی ایران که به البیک اعزاز می شوند با موفقیت به وطن بازخواهند گشت . » « فوتبال ایران دچار تحول می شود و غالب چهره های محبوب تیم ملی را چند چهره جدید شهرستانی تشکیل خواهد داد . » « محمد نصیری با زعم قهرمان جهان می شود اما اختلافات خانوادگی او را بکلی بریشان خواهد کرد . »  
بازهم پیشگوی دومی : از نظر هنری سال پر تحرک : « میتوان امیدوار بود که قیام های ایرانی بازار وسیع جهانی پیدا کند . »

پیشگوی اولی : سال ۱۳۵۱ ، سال فعالیت خوانندگان جدید است و دوقن از آنها به اوج شهرت و موفقیت خواهند رسید و رقبای خود را از میدان دور کرده و در سراسر ایران زبانزد عام و خاص خواهند گردید .

پیشگوی سومی : در آمریکای جنوبی ، کشکش و کودتا برپا خواهد شد . بلکه انگلستان دچار بیماری سختی خواهد گردید . به ملک حسین سوء قصد می شود اما خطری متوجه وی نخواهد شد . اوایل سال بین ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی کشکش های فراوان رخ میدهد اما بایک تغییر ناگهانی بین آنها صلح برقرار می گردد .

پیشگوی اولی : « جنسی شورای ملی یکی از پر شورترین دوره های قانونی خود را خواهد گذراند . »

پیشگوی دومی : « بعید نیست که حتی گوگوش از شوهر خود ادعای خیانت کند . »

پیشگوی اولی : « بهروز ووفی کماکان از سوکده های عشقی برخوردار خواهد بود که او هیچکدام را نخواهد پذیرفت و برای پوری بنائی ستاره ها ازدواج یا ادامه عشقی شدید را پیش بینی می کنند . آغاسی خود بخود از کار کناره گیری خواهد کرد . زوی خوشکام به احتمال یقین صاحب فرزندی خواهد شد . »

پیشگوی دومی : « سگوف ، موفق ترین و فریدون فرخزاد ، ناکام ترین چهره هنری سال آغاسی یا او دیگر به اوج شهرت می رسد . « سوسن ناگهان با اجرای یک ترانه شهرت گذشته را بدست می آورد . و سهیلا و لیلی بر سر اینکه کدامیک سگسکی تر هستند باهم اختلاف شدیدی پیدا می کنند که تطبیق سگسکی کارشان به دادگاه نیز کشیده شود ولی در این مورد لیلی شکست خواهد خورد . » یعنی ستاره ها نشان می دهند که سهیلا سگسکی تر است . « پوری بنائی به احتمال قوی ازدواج می کند . »

و چه سال فرخنده ای . هبش عضله و سگس و خنده و باران و آواز . و دست بزیم و شادی کنیم خصوصاً که کثیرالانتشار محترم « برای اطلاع خوانندگان که یکسر ستاره شناسی و علوم مایعده طبیعی را انکار می کنند یاد آور می شود که در دانشگاه مسکو چند سال است که کرسی علوم غریبه داور و ستاره شناسان و پیشگویان استثنائی که از قدرت های مافوق طبیعی برخوردارند در این کرسی تدریس یا تجربه می کنند . » وجه بهتر از این : جن گیران جهان متحد شوید .

و بعد از همه مهمتر تقویم چاپ سنگی مصباح ، « دانشمند فقید آقای حاج میرزا اسمعیل (مصباح) نجم الممالک سابق طهران » که سال نو فرسیده توی همه خانه ها پیدایش می شود . و خصوصاً حالا که تقویم مصباح دوتا شده : هم پدر و هم پسر .

روی تقویم پدر و آن گوشه بالا دست راست : « هر نسخه که به مهر دستی ذات الاضلاع - مستخرج معطل نرسیده قلب و مواخذ می شود » و گوشه دیگر نامه وزارت جلیله معارف و اوقاف به تاریخ ۲۰ برج سرطان ایت ئیل ۱۳۰۶ که « نظر به تحصیلات جناب جلالتمآب اجل آقای میرزا اسمعیل نجم الممالک در نجوم و غیره به موجب امر مقام منبع ریاست وزارت عظام دامت شوکت - العالی تقویم مشارالیه در ادارات دولتی معمول به و رسمی خواهد بود . »

به اینجا رسیده بودیم که دور دنیا راه می افتیم و بهمه حالی می کنیم که ما چه کاره بودیم و چکاره هستیم . « اگر قبول نکردند با تخمق می زنیم نوبی سرشان که قبول کنند . چون دیگر معلوم می شود که نشان پاک نیست ، سوهنیت دارند و کسی هم که سوهنیت داشت تکلیفش معلوم است و تکلیف ما هم معلوم . شاگرد اول تاریخ بشریت ، بر فراز دنیائی و دنیائی بغزیریای ما ، یعنی سرجای واقعی خودمان ، راحت می نشینیم و مغمان را بالا می کشیم و نسخه خطی می نویسیم ، خاطرات می نویسیم ، سند و مدرک چاپ می کنیم و نشان می دهیم که چطور هر چه در جاهای دیگر شده ما کرده ایم و هر چه در اینجا شده دیگران کرده اند ، بیگانگان و هم الظالمون . و درآمد سرفاسه آنقدر زیاد می شود که دیگر کسی حوصله حساب کردنش را نخواهد داشت مگر سازمان ملل که باز کارشناس می فرستد .

رواج علم ، رواج صنعت ، رواج تجارت ، رواج فلاحات ، احیای عظمت گذشته و حل معضلات جامعه بشری و همه بخاطر یابیل . پس یابیل را فراموش نکنیم . آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است : با و بیس . و به این ترتیب است که یازیل و سرائیل و یابیل هم قافیه می شود ( البته با کمی حسن نیت ! ) .

و خیال نکنید که نمی شود . همه این حرفها می شود آنچه در پیش چشم بهم زدن . اصلاً تا بحال کدام پیش بینی را کرده ایم که هنوز مرکب خشک نشده واقعیت پیدا نکرده ؟ همین امسال را بگیرد و به کثیرالانتشار های شب عید یک نگاهی بیندازید و پیش بینی های سال جدید را دوباره بخوانید و ببینید هنوز سال تمام نشده چقدرشان درست درآمده ؟ اصلاً محکم کاری کنید : جدتاً پیشگوئی را بگیرد و ببینید چطور می همان موبه و عیبی شده .

یکی از پیشگوئی ها ، کار پیشگوی معروف ایرانی است که چهل و چهار ساله است و از « بچگی در خود حالات الهام » می دیده « وساعتها به عالم خلیه » فرو می رفته و « از همان هنگام بعضی پیش بینی ها « بش « صورت حقیقت بلخود » می گرفته . و « خوشبختانه حالت ته پاتی در ایشان خیلی قوی است . » « اولی » .

دومی کار خاصی اصفهانی است که مدت ستمال زندی در قزوین مدرسه پیشگوی معروف باستانی تعلیم دیده و سومی هم مال آغاسی است او استیج . همانطور که کثیرالانتشار محترم اضافه می کند « بشر از دیرباز در آرزوی اطلاع از حوادث و رویدادهائی بوده که در آینده به وقوع خواهد پیوست به همین دلیل است که هر روز بر عده پیشگویان افزوده می شود تا آنها که در هر کدام از شهرستانهای ایران حتی دور افتاده ترین شهرستانها ، صدای هشدار که در آستانه هر سال جدید به پیشگوئی حوادث و رویدادهای سال آینده می پردازند . »

پیشگوی اولی : « چون با پایان گرفتن سال ۵۰ نیمه اول قرن به پایان می رسد و سال ۵۱ قدم بد نیمه دوم می گذارد و همین وارد شدن بد نیمه دوم قرن در عالم نجوم و ستاره شناسی بسیار نیکو و فرخنده است بنابراین تغییرات کلی که همراه با موفقیت های چشمگیری است رخ خواهد داد . »

.....

پیشگوی اولی : سال ۱۳۵۱ ، سال نزول رحمت است . زمستان پر برف و باران - تابستان خوب و معتدل و حتی همراه با بارندگی های نافع . و پاییز همراه با باد و طوفان که « البته موجب ضرر و زیانی نخواهد شد . »  
پیشگوی دومی : بهار عالی و مطبوع ، تابستان معتدل و زمستانی سخت و ناراحت همچون زمستان ۱۳۵۰ اما با بارندگی کمتر .

پیشگوی سومی : زمستان به سختی زمستان ۱۳۵۰ اما با بارندگی کمتر .  
پیشگوی اولی : از نظر کشاورزی ، هرگز سالی نظیر ۵۱ را بخود ندیده ایم : حتی به خارج گندم و برنج صادر می کنیم .

پیشگوی دومی : سال پر برکت و همه در رفاه و آسایش .

و بعد مقداری گل و بنه به شکل بیضی و آنوسط «سالنمای فارسی سیچقان ٹیل  
سنه ۱۳۵۹ ... استخراج دانشمند فقید آقای ... با تجدید نظر دانشمند محترم  
جناب آقای مصباح زاده .» و اینکه «حق طبع و تقلید محفوظ و مخصوص  
است به شرکت نسبی ...» و شماره ثبت شرکتها : ۳۰۵۷ .

پس تقویمی است که دانشمند فقیدی که «در نجوم و غیره» تحسیلات  
داشته استخراج کرده (چند سال پیش ؟) حق طبع و تقلید آن مال یک شرکت  
نسبی است . شماره ثبت شرکتها دارد و دانشمند محترمی هم در آن تجدید نظر  
کرده . منتهی این دانشمند محترم دومی فرزند برومند و ارجمند دانشمند اولی  
است که در صفحه دوم معلوم می شود خودش علامه فقید هم بوده .

باز گوشه مال پدر : « هر نسخه که به مهر سستی این حقیر رسیده  
جمل است و مواخذہ می شود » و آن گوشه دیگر ، نامه پدر که « بسمه تعالی ،  
بسیار متفخر و متعوق که اینک سالهاست فرزند برومند و ارجمندم به  
زاهدانائی من به شخصه استخراج تقویم نموده است استعداد عجیب و ذوق  
سرشار ایشان در فرا گرفتن و تکمیل این علم و فنون دیگر قابل هزار تمجید  
است . از خدا خواهانم که در آینده پیش از پیش ترقیات شایان حاصل  
نماید » و معلوم است که ترقیات شایان حاصل نموده است که حالا همان  
شرکت نسبی ، یک سالنمای فارسی هم برای او چاپ می زند . آنهم یازنگه و  
روی بیشتر و بدون شماره و بدون ذکر قیمت و بدون «حق طبع و تقلید  
محفوظ ...»

سالنمای پدر «بنام خداوند بخشنده و مهربان» شروع می شود و  
مال پدر «بنام مبارک حضرت ولی عصر ارواح العالمین له الفداء» و هر دو  
رفنار و گردار جهان و جهانیان را پیش بینی می کنند و پارامنائی های لازم  
به خواننده که چه کند و چه نکند بهتر است . پس هم خرده پیش بینی است و  
هم کلان پیش بینی . هم پیش بینی کوتاه مدت است هم پیش بینی میان مدت  
و هم دراز مدت و هم آینده تگری . چرا چونکه پیش بینی در چند سطح  
انجام می گیرد : روز و ماه و سال و آنهم سالی که خودش جزئی است از یک  
دوره دوازده ساله .

دوشنبه چهارم فروردین ماه جلالی : امور کشاورزی نیکت ، اول  
مهرماه : عقد و نکاح و زفاف را و چهارم مهرماه : نقل مکان و نوریز را  
نیکت و پنجم مهرماه : آغاز مشارکت را و روز سه شنبه ۲۷ کیرماه : قمر در  
عقربت ....

و بعدهم توقیعات هر روز را : شنبه ۵ فروردین : آمدن پرستوگ ،  
چهارشنبه ۹ فروردین : حرکات حشرات الارض ، شنبه ۱۶ خرداد : قتل  
خسرو پرویز و یکشنبه چهارم تیرماه قتل خسرو پرویز و دوشنبه دوم تیرماه  
بازهم قتل خسرو پرویز . یکشنبه هفتم آبان : وفات یوشع بن نون ، پنجشنبه  
۲۸ اردیبهشت ماه : جلوس معزالدوله دیلمی در سنه ۳۳۸ و بازهم پنجشنبه ۲۸  
دیماه جلوس معزالدوله دیلمی در سنه ۳۳۸ ، پنجشنبه ۲۷ مهرماه : ایجاد صنعت طبع  
و بازهم پنجشنبه ۲۹ بهمن ماه : ایجاد صنعت طبع . شنبه سوم مرداد : ظهور  
دولت صفویه و ششم دیماه آنهم چهارشنبه روزی بازهم ظهور دولت صفویه  
(۹۰۷) و بازهم پنجشنبه چهارم دیماه ، ظهور دولت صفویه و بازهم والبنه  
در سال ۹۰۷ و بازهم چهارم اسفندماه در جمعه روزی ، ظهور دولت صفویه در  
سال ۹۰۷ .

این توقیعات که در سالنمای پدر این طوله و تفصیل را دیدار ...

سالنمای پدر پیش طول و تفصیل بیشتری پیدا می کنند .  
سالنمای سیچقان ٹیل ۱۳۱۵ : شش فروردین : آمدن پرستوگ و  
رحلت آدم ابوالبشر ع . هفت فروردین : خلاصی یونس از بطن حوت در سال  
۴۷۳۴ (حتما پیش از هجرت) ، ده فروردین : اول فریاد علی علیه السلام و بازهم  
فروردین : اول سفر دریا ، ۲۲ فروردین : هلاک اصحاب فیل - ۲۳ فروردین :  
رحلت حوا ام البشر ، ۲۷ فروردین : انتباه اصحاب کعبه و ۲۸ فروردین : هجرت  
های دوم ایران و روس ، ۲۹ اردیبهشت : شهادت اویس قرن ۳۸ ، ۲۲ خرداد :  
ولادت زرتشت پنجم پادشاه انگلیسی ، ۲۲ خرداد : تمام شدن بهشت شداد بعد از  
دویست سال ، ۳۰ مرداد : ایجاد زر برای معامله ، سوم شهریور : بنای اسکندر  
سد یاجوج را ، ۲۸ آذر : ولادت هابیل و ۲۹ آذر : ظهور سلاطین قاجار ،  
دوم بهمن : احداث مسجد بت و هشتم بهمن ماه : آغاز بت پرستی در سال  
۱۶۹۶ و ۲۱ بهمن ماه : ظهور دولت صفویه در سال ۹۰۷ و همینطور ....

و بعد به ماه میرسیم و اینکه اوضاع کواکب و نجوم در هرماه هرماه  
دلالت برچه دارد . در سیچقان ٹیل سال ۱۳۱۵ ، اوضاع کواکب و نجوم ، هرماه  
برچیزهای خوب خوب دلالت دارد . در همه ماهها صحبت از امنیت طرق و  
شوارع ، خوشی حال جوانان ، بسیاری زراعات ، رونق بازار بزازها ، خرازا  
و اطباء ، خوبی شکوفه جات ، فواید بعضی تجارت و توالد بعضی حیوانات .  
و در تیرماه : رونق اهل طرب و خوشحالی جوانان و دختران و رواج بازار  
قطنیات ... و قناد بعضی نباتات و رونق قورخانه و بازهم رونق حال مطربان و  
جوانان اهل طرب و در مردادماه هم خوشحالی اهل طرب و خوشحالی زنان  
ورفتن بعضی به خارجه ... و بسیاری از نواج و احتمال احداث بعضی کارخانجات ...  
و همینطور رونق و رواج و شادی و شادمانی . نه غمی ، نه دردی ، نه مرگی و  
به قول پرنامه چیها : رشد درآمد منی و آنهم همراه باطبل و نقاره و درمیان

کثرت عقد و نکاح و زفاف و صیافات .

اوضاع کواکب ماههای سیچقان ٹیل ۱۳۵۱ / طبع دیگری دارد و  
اصولا پدر بیشتر نیمه پر لیوان را می بیند که در ربیع الاول صحبت از  
نیکوئی احوال بزرگان میکند اما پس کمی جوانی به خرج میدهد و در همان  
ماه از «بسیاری بیماری های نزله و زکام بویژه در خوردن سالان (گذائی الاصل)  
و سالخوردان» گفتگو می کند . در ربیع الثانی ، پدر به «پیدایش برخی  
بیماریهای دموی و درد چشم» اشاره می کند و پدر که متجددتر است به  
«حدوث بیماری های ویروسی» و در هر حال پدر و پسر برنامه را ماه به ماه  
می ریزند و همه چیز را پیش بینی می کنند . مثلا در صفر المعظم ، پدر پیش بینی  
می کند : «میل هوا به اعتدال و احتمال رعد و برق و بارندگی در بعضی  
کوهپایهها و حدوث برخی بیماری در کودکان و کثرت مجالس و محافل  
و انجمن ها ، خوشی حال ارباب قلم و رونق حدادان و سخنوران و ضعف  
ریاست فرومایگان و امیدواری مردم به بهبودی اوضاع و نیکوئی احوال بعضی  
طبقات و بروز فتنه ها و ...» و از دید کارخانه جات و نیکوئی  
حال کارگران و پیشوران و همراهی علنی نولات با ملت و تظاهرات و همکاری  
بعضی دول با ایران و فی الجمله پیشرفت و توسعه فرهنگ و بهداشت عمومی و  
کثرت فقر و فجور و رونق آتش کاران و حدادان و ... و الله تعالی یعم  
حقایق الامور» و پسر : «تعبیر هوا و آمدن باران های سودمند در مواضع  
مستعد و رونق احوال ارباب مناصب و آفت بعضی اشجار و تغییر ناگهانی در  
امور اجتماعی و اقتصادی و تعاون و رفاه و همکاری کارگران و اختلاف  
احزاب و کلاه و امیدواری هرچه تمامتر به بهبود اوضاع مملکت و خوشی حال  
جوانان و کثرت مسافرت آنان و توجه عموم به پدیده های جدید و عموم و عموم  
سالخوردگان و ظهور احکام و لواج جدید و عزل بعضی رجال و کثرت مجامع  
دینی و علاقه به معنویات و الله یعم .»

و پیش بینی ، پیش بینی جامعی است . از «رونق بزازان و خرازان» و  
نیکوئی احوال توانگران و ملاکین» تا «بسیاری توالد و تامل» ، «فقر  
بعضی سخن و حدوث بعضی سخن» ، «تعبیر نرخ آهن و مس و کثرت  
مرگ عقاب و عزت ارباب قلم و نویسندگان و رواج بازار هنر و عزت  
عظیبات» ، «بنای عمارات به سنگ جدید» و «گرفتاری خائنین و آشکار  
شدن بعضی نهانی ها» و «آسانی حمل ژان» و بازهم «والله یعم» .  
بنابرین برنامه ماهانه خودش برنامه کاملی است اما نه اینست که  
این ماه ها خود جزئی از دورهای است که همان سال باشد ، این پیش بینی ها  
هم خود جزئی از پیش بینی کلتری است که در چهارچوب سال پیاده می شود :  
پس : «امدادات نهانی بین دولت ها و ترس و لگرنائی مال و تحقیقات  
سری و سلاح های مخوف و طغیان جوانان و روشنفکران در مقابل تهیدات  
خاندان بزرگ و کثرت غلات و حبوبات و ترقی نرخ ها و شدت سرمای  
زمستان و خطر زلزله و سیل هم بعضی بقاع و ریخته شدن خون های ناحق و  
خطر و عزل بعضی رجال و فوت ناگهانی یکی از مشاهیر و اختراعات محیر-  
العقول و اختلاف و گفتگوی بعضی زمامداران و بسیاری فتنه و فساد  
والله یعم»

و حالا این پسر است که می نویسد : «خوشی حال زمامداران و  
فراردهای سری بین ایران و اغتشاش اکراد در بعضی نغور و فتنه و نفوذ  
بعضی رجال و امیدواری جوان درباره بهبود اوضاع خاورمیانه و میل مردم  
به ...» و «تسلط آمیز و صلح و گرانی ارزاق و اجناس و فراوانی آن و  
شدت سرمای زمستان و آمدن برف و باران و طوفان هدم بعضی بقاع و حادثه  
خطر سیل و زلزله و تظاهر بعضی اشرار در صورت ابرار و امرار و خطر آنان و  
ریخته شدن بعضی دماء و بسیاری جواسیس و فوت ناگهانی یکی از نامداران  
و عزل بعضی رجال و کارگردانان و گرفتاری احوال بعضی رعایا و دعبقانان  
و پیدایش صنایع و کشف معادن و وقوع اختراعات محیرالعقول و ارتقاء بشر  
در تسخیر فضا و آفاق و انحطاط بشر در راه دین و اخلاق و علائم ظهور  
والله یعم» .

و علائم ظهور حضرت . و این پیش بینی یکساله هم خودش جزئی است  
از یک برنامه دوازده ساله : «بدانکه حکمای ترکستان را از قیجاق و انغور  
دوری است که بر دوازده می گردد و هر سال را به اسم جانوری موسوم کرده اند  
و چگونگی حالات آن سال را از طبع و خوی آن جانور استنباط می نمایند و آن  
را دور اتنی عشری گویند و ابتدای آن دور را از سیچقان ٹیل گیرند ...»  
و این سال نیکو فال فرخ مآل که مجدد می شود اولین سال است از دور  
اتنی عشری و آن را به ترکی سیچقان ٹیل گویند یعنی سال موش و چنان دانند  
که چون سال موش آید زمستان سرد باشد و باران به موقع آید و بین سلاطین  
و سرکردگان تقار و کدورت بسیار باشد و نیز جاسوس زیاد راغات اگر به  
دست ماند خوب بود و در بهار سال هوا ملایم و خوی به رعیت ها و فوآکه  
زیاد و فراوان باشد ولی گران قیمت بود و گفتگوها بین سران دول بسیار بود  
و هر مولودی که در ثلث اول این سال به دنیا آید زیرک و بسیار دان بود  
صاحب مقام و مال بود و هر مولودی که در ثلث اوسط این سال به دنیا آمد  
بد کردار و مومنی بود و هر مولودی که در آخر این سال بد دنیا آید بی خرد و ترسو  
بود و الله یعم .»

فراوان  
بعضی  
برقی که  
و زیرک  
و آنکه  
بدنی  
سال ز  
که بیم  
پاسنای  
حقی  
که در  
عادت  
دلیل  
قماش  
می تو  
نارگی  
ایکه  
و حال  
دلیل  
بودند  
رواج  
بود  
شرح  
منظوم  
بود  
و بر  
ارجمند  
در  
شبه  
رقم  
سیمی  
خرگ  
که آ  
فیل  
می ک  
حند  
مرغ  
که  
ترک  
روا  
به  
بند  
تلا  
شه  
تلا

سیچقان ٹیل ۱۳۱۵ هم : « چون سال موش درآید خوش گذرد و باران فراوان بارد و میوه بسیار بود و زمستان بسیار دراز باشد و موش غنیمت کند و بعضی سرقت ها شود و خائنین دستگیر شوند و دناوت از خلق بیرون و ایریتم فرقی کند و زمستان برف بسیار ببارد و هر فرزندگی که اول سال بوجود آید دانا و زیرک و خرمنند شود و آنکه در وسط سال بوجود آید زیرک و خرمنند شود و آنکه در وسط سال متولد شود باجمال و شکیلی باشد و آنکه در آخر سال متولد و دنیا آید حراف و سخنگو باشد » و البته باز هم شکسته نسی « والله یعلم »

و من به صرافت افتادم که ببینم این برنامہ سیچقان ٹیل . سال موش . سال زمستان های سرد . سال جاسوس . سال گرانی قیمت وسایل نوزاد هائی که بیشتر بد کردار و موزنی و بی خرد و ترسو هستند از کجا آمده ؟

اول دستگیرم شد که اینچور اسم گذاری ها از خصائص فرهنگ و تمدن باستانی ما نیست . آسمهای دیگر هم جورهای دیگری را داشته اند و دارند . حتی یکی از قبایل صندردصد و حتی یکی از جزایر اقیانوس صندردصد آرام که در یکی از زلزله ها هم بکلی از بین رفتند و هیچ اثری هم بجا نگذاشتند عادتشان این بوده که به هر سال اسم مرضی را می گذاشتند : سالک ٹیل ، دنیل ٹیل ، کورک ٹیل ، یواسیر ٹیل ، نواسیر ٹیل ، زگیل ٹیل . و از همین قماش ده دوازده تائی دیگر . آنها که این قبیله را میخواستند مطالعه کنند می توانستند بگویند که این جوش گرایی را باید در رابطه با درختان خرما و نارگیل و رطوبت و حرارت هوای جزیره مرحوم مطالعه کرد . البته پیش از اینکه جزیره کشف شود زلزله آمد و داغ جزیره را به دل همه محققان گذاشت و حالا معلوم نیست که این اتفاق در سال کورک ٹیل رخ داد یا در سال دنیل ٹیل ...

و بعد هم به آثار علامه پریم مرحوم مراجعه کردم . مرقوم فرموده بودند که « این ترتیب چینی و ترکی است و پس از استیلای مغول در ایران رواج یافته است ... در بین ترکهای آسیای مرکزی این حساب از قدیم معمول بوده و در دیوان لغات الترک محمود کاشغری که در سنه ۶۶۶ هجری تالیف شده شرح آن دیده می شود » و بعد هم اشارتی به « نصاب الصبیان که دائرة المعارف منظوم کوچکی است » ( گاهشماری در ایران قدیم ص ۲۰ ) .

اما پیدا کردن متن منقحی از این کتاب مستطاب واقعا کار دشواری بود . این بود که باز کمر همت به میان بستم و زحمات و مشقات بسیار کشیدم و بر اساس همه این تتبعات متن ذیل بدست آمد که « روی برگرفته بنظر آقای و ارجح می آید » :

گر بخیبری ز سال ایغور تبار (۱)  
 بشنو خود را ز ظلمت چهل برار  
 مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاع  
 بحریت لبالب ز گهر ای هوشیار (۲)  
 موش و بقر و پلنگ و (۳) خرگوش شمار  
 زین چار جو بگدیزی نهنگ آید و مار  
 آنگاه (۴) به اسب (۵) و گوسفند (۶) است حساب (۷)  
 حصدونه (۸) و مرغ و سگ و خوک آخر کار (۹)  
 همه این تصحیح و تنقیح و تحشیه به این انجامید که ماکرویش بینی در چهارچوب یک دوره صورت می گیرد آنهم دوره ای طوازی ساله یا سال ششمی و ماه قمری : « اول سال موش است که آنرا به ترکی سیچقان ٹیل رقم می کنند ، دوم سال ، گاو است که آنرا به ترکی اودنیل رقم می کنند ، سیم سال پلنگ است که آنرا به ترکی بارس ٹیل رقم می کنند ، چهارم سال خرگوش است که آنرا به ترکی توشقان ٹیل رقم می کنند ، پنجم سال نهنگ است که آنرا به ترکی لودی ٹیل رقم می کنند ، ششم سال مار است که آنرا به ترکی نیلان ٹیل رقم می کنند ، هفتم سال اسب است که آنرا به ترکی یونس ٹیل رقم می کنند ، هشتم سال گوسفند است که آنرا به ترکی قوی ٹیل رقم می کنند ، نهم سال حصدونه است یعنی میمون که آنرا به ترکی پیچی ٹیل رقم می کنند ، دهم سال مرغ است که آنرا به ترکی تخاقوی ٹیل رقم می کنند ، یازدهم سال سگ است که آنرا به ترکی اینتیل رقم می کنند ، دوازدهم سال خوک است که آنرا به ترکی تنکوژیل رقم می کنند » .

چون در آن زمان هنوز استفاده از ماشین های حساب و این حرفها رواجی پیدا نکرده بوده البته این ٹیلهارا به نظم در آورده اند که هر کس به خاطر سپرد و بفهمد در هر زمان سرو کارش با کیست و اینهم آن دو بند تنبان :

سیچقان اوود و بارس و توشقان ولوی پس  
 نیلان ویونت و قوی بود نامهای سال  
 پیچی ویس تخاقوی وایت است بعد از آن  
 تکنوزدان تو ای پس صاحب کمال .

**تعلیقات :**  
**همی گوید ابونصر فراهی**  
 همانطور که در موقع خود نوشته آمد پیدا کردن متن منقحی از کتاب نصاب الصبیان واقعا کار دشواری بود چون با وجود تعدد نسخ و تکثیر طبع ،

هر نسخه با نسخه دیگر تفاوتهای چشمگیر و بلکه دست و پاگیر داشت . این بود که باز کمر همت بهمیان بستم ( و بین الهالین هم بگویم که کمر همت برای مبارزه با بزرگی شکم بسیار مفید و موثر است ) و افتادم به جمع کردن نسخ خطی و چاپی این کتاب مستطاب و شرح های گوناگون آن ، البته حاصل کار در این مختصر نمی گنجد و انشاء الله تعالی در جای دیگر و در موقع مناسبتر ، کوششی را که برای تنقیح و تصحیح و تحشیه متن کتاب « نصاب الصبیان » انجام داده ام به صورت مستغلی در اختیار طالبان علم و معرفت خواهم گذاشت . جداول این تحقیقات بزودی یا بهتر بگویم عنقریب با عنوان « جامع نسخ نصاب الصبیان ابونصر بدرالدین مسعود بن ابوبکر بن حسین بن جعفر فراهی سجزی » انتشار خواهد یافت آنهم البته بعون الملک الوهاب . از میان نسخ متعدد نسخ و مرغوبی که در اختیار بود چند نسخه زیر که مشخصات هر یک در زیر بیاید اساس تصحیح ابیات منقول در متن قرار گرفت :

**الف : نسخه بمبئی (علامت اختصاری : «ب»)**

مشخصات این نسخه چنین است :  
 صفحه عنوان : « کتاب مستطاب نصاب الصبیان مفسر به سعی و اهتمام عبدجانی محمد یزدی الاردکانی و جناب مستطاب سلاله السادات العظام اشرف الحاج حاجی میرزا اسدالله صاحب تاجر شیرازی دام عزه العالی المعروف به دلال در مطبع گزرا حسینی بمبئی به حلیه طبع آراسته گردید . فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۲۱ ه . »

در حاشیه همین صفحه آمده است : « مخفی بناماد که این کتاب مستطاب را جناب مستطاب معارف نصاب ادیب ماهر و ارباب قادر و شاعر ساحرالذی سحره خلال و شعره من العزب الزلال آقا میرزا آقای فرصت شیرازی دام عزه العالی زمان تشریف فرمائی بمبئی تصحیح فرموده اند و بدون غلط است انشاء الله تعالی . »

این کتاب به چاپ سنگی است و در ۴۸ صفحه به قطع وزیری . اهمیت خاص این کتاب در اشاراتی است که به سفر فرصت شیرازی « رحلت الممالک » به هندوستان کرده است و اقامت او در بمبئی . باینکه هیچ یک از محققان و از جمله مرحوم فرصت در مسوره وقوع این سفر شکی تا بحال نداشته اند معینا با استناد به این نسخه می توان گفت که دیگر جای هیچ شک و تردید نمی ماند و سفر مرحوم فرصت به هندوستان اظهار من المیس است .

**ب : نسخه تبریز ( علامت اختصاری : «تب» )**

مشخصات آن چنین است :  
 روی جلد : « فرهنگ منظوم لغات عربی برای همه مخصوص محصلین ، شرح نصاب الصبیان تالیف ابونصر فراهی . تبریز . کتابفروشی مابری . »  
 چیدمانی القانی ۱۳۳۳ مطابق اسفند ماه ۱۳۳۲ شمسی یا تصحیح و شرح جناب آقای میرزا محسن ادیب العلماء تبریزی . »

مقدمه کتاب چنین آغاز می شود : « معلومات انسان عبارت از محفوظات اوست » و بعد نویسنده مقدمه می نویسد که « از چندی پیش

۱ - این دوبیت در « ته سنگی » آمده است و در « بر » و « برته » دوبیت زیر بجای آن درج شده است :

مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاعیلین  
 هر صیغ جو بلبلان همی کن تکرار  
 نکته مهم از نظر پرده شناسی ، عربی سخن گفتن هزارستان است در بامداد

۲ - در این قلم معلوم نشد که بالاخره اشعار فوق در بحر هزج مثنی اخرق مقبوض منظور ازل ( مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاعیلین ) به استناد غالب نسخ و از جمله « ته سنگی » ( سروکار داریم یا با بحر هزج مثنی اخرق مقبوض محذوف و لا الضالین ( مفعول مفاعیلن فاعیلین فعان در « بر » و « برته » ) و این معضل البته حیاتی هم هست و نشاید که حضرات فخرمشجهای کتبخشیمشکمشهارا بیش از این از آن غافل بمانند .

۳ - در « تب » و « ذره بیمقدار » : موش و بقر و پلنگ خرگوش شمار .

۴ - در « ته » : و آنگاه به اسب و گوسفند است حساب . ( کذا در دائرة المعارف مصاحب جلد اول . ذیل سالهای خطا و ایغور ) .

۵ - در « تب » ، « ته » ، « بیم » ، « ذره بیمقدار » و « بر » و « برته » همه « واسب » است و در دائرة المعارف . « به اسب » .

۶ - در « بیم » : « .... واسب گوسفند است ... »

۷ - در « ته سنگی » : « آنگاه باسب و گوسفند است حذار » . در فرهنگ ناظم الاطباء حذار به معنای « پرهیزکن » آمده است .

۸ - در « بر » و همچنین در « برته » همدونه با های هوز آمده است و در همه نسخ دیگر و از جمله در فهرست اسامی « برته » با های مهمله . و در « ذره بیمقدار » آمده است : « حصدونه به فتح حاه مهمله و سکون میم چانورست شبیه به انسان و آنرا میمون گویند » ( ص ۹۳ ) .

۹ - برای اطلاع از علامت اختصاری و مشخصات هر یک از نسخ نگاه کنید به « تعلیقات و التقاطات » .

آرزوی نگارنده این بود که روزی شرح کامل و مفیدی برای این کتاب نفیس تهیه کند و این مطلب را بایکی دوتن از دوستان در میان نهاده و مقدمات کار را نیز تاندازه‌ای فراهم کرده بود که خوشبختانه دانشمند محترم ... مدیر کتابفروشی مژده دادند که فاضل محترم آقای ... بهوجه احسن واکمل در انجام این امر توفیق حاصل کرده‌اند . نگارنده با دیدن یادداشتهای فاضل نامبرده بی‌اندازه مسرور و مشغوف واز نیت خود که بقول یکی از دوستان واجب کفائی بود منصرف شده چه تمام محسنات یک کتاب خوب در همان نسخه ... جمع بود ... وبالاتر از همه این ارزش را داشت که به خط زیبا و سبک شیوای خود آقای ادیب نامبرده بود .

در بیت شعر مورد نظر در صفحه ۹۷ آمده است .

ج - نسخه تهران گراوری . علامت اختصاری : « ۵۴ »

روی چند : « کتاب نصابالصبيان گراوری با شرح مختصر فارسی و مباحثات به تصحیح جناب آقای کاظم کاشفی خراسانی به دستور آقای حاج سید محمود کتابچی مدیر کتابفروشی علمیه اسلامیه . طهران خیابان ناصر خسرو و بخط زیبای نسخ نوشته و عکس برداری شد . حق چاپ و گراور از روی این نسخه محفوظست . » بهاء ۸ ریال .

در ۳۲ صفحه ، کاغذ کاهی ، تاریخ طبع در صفحه ۳۲ چنین مذکور افتاده است : « تمام شد کتاب نصابالصبيان به خط خوشنویس ممتاز احمد نجفی ممتاز زنجانی در دارالخلافه تهران در سنه ۱۳۶۸ هجری ، گراورسازی بصیرالصنایع . »

شارح فاضل فرماید « که نصابالصبيان را چون ثاج علم الاسماء بر سر نهند . ( ۱ صفحه دوم ) . در صفحه اول آمده است « مجموع این کتاب دوست و بیست : آمد » که با توجه به نسخ دیگر می‌بایست « دوست بیت آمد » صحیح باشد .

دوبیت مورد نظر در این چاپ جزو قطعه بیست و سوم آمده است در بحر المهرج المثنی الاخر المقبوض الاول ( که یقیناً بل محتملاً الازل صحیح است ) در صفحه ۲۳ .

د - نسخه « ذرة بی مقدار » ( علامت اختصاری : « ذرة بی مقدار » )

مجله طبع ندارد . سنگی . مسمی به « ذرة الیتمیه فی تمات ذرة الیتمیه فی شرح نصابالصبيان » مولف ذرة بی مقدار عباس بن محمد رضاه القمی که فرماید با اینکه « جمعی کثیر و جمعی غفیر از علماء اعلام کتب متفرقه و مختلفه در ضبط لغات عرب جمع و تالیف نموده » کتابی که از برای مبتدی مفید و نافع بوده باشد کتاب نصابالصبيان است . که الحق محتاج الیه هر خاص و عام نظیرش در میان کتب نایاب و چون در نهایت معلوم و اشکال و طبع فهم را باعث ملال بود لهذا بسی از فضلا چهره عربی معانیش را به الفاظ ظاهره گشوده الا آنکه تتبع کافی و تصحیح وافی نبوده ... مگر شرحی که مسمی بذرة الیتمیه است که الحق فاضل شارح گوی سنت از همگنان استیلاب نموده و در مضمار سخنوری قصب السبق از بیشکاران برده مگر آنکه اغلب اشعار را مطولاً بزبور معانی پیراسته فرموده و اکثر اذن را عطل و عاطل گذاشته و چنان رعایت ایجاز و اختصار نموده که فهمیدن معانی آن بر غیر مبتدی و باعث بیمبایی جمعی کثیر شده تا آنکه این ذرة بی مقدار عباس بن محمدرضاه القمی عنی الله عنهما بحسب الامثال امر بعضی موالی قدم جسارت در پیش نهاده بعد از تبع و تصحیح بسیار آنچه از لغات را که محتاج به بیان بود بطرز مرغوب که مطبوع طابع باشد شرح نموده به شرح مزبور افزوده و آن را به این در پتیم تمیم نمودم تا نقش عجم شود و نامیدم او را به ذرة الیتمیه فی تمات ذرة الیتمیه ...

تاریخ اتمام کتاب شنبه بیستم صفر ۱۳۶۶ هجری قمری است و تاریخ تحریر آن نیز همان است . در این متن بعضی سطور دیده می‌شود که معلوم شود که کدام از جواهری صاحب ذرة الیتمیه است و کدام از اشاقات مولف ذرة الیتمیه و از آن جمیع است اشعار زیر در اختیارات اسبوع ( ص . ۸۵ ) :

نکو روزیست روز شنبه ارتو  
کنی از بهر صید آهنگ جانو  
به یکشنبه مبارک باشد ارتو  
کنی بنیاد قصری یا سرائی  
سفر کردن دوشنبه سخت نیکو است  
نیاید پیش تو آخر بلائی  
اگر رگ میگشائی در سینه  
شفا یابی نیاید زو خطائی  
اگر دارو خوری در چارشنبه  
بخور شربت کزو یابی شفائی  
قضای حاجت در پنجشنبه  
برای از امیری پادشاهی  
به آدینه خدا را یاد می‌کن  
دگر صحبت بجو از خوش لغائی .

و ابیات مورد نظر را در ص ۹۳ آمده است .

۵ - قطرات العلوم در شرح نصابالصبيان ( علامت اختصاری « قاف سنگی » )

که مشخصات آن چنین است : « اما بعد چنین گوید اول ابتداءالعلماء واحوج العباد الی اللہ الرحیم العبد الجانی عبدالکریم برارباب بصیرت وانصاف ظاهر و لایح است که شرح متون عملی است معضل و امری مشکل محتاج به جمع رسائل شتی و وسائل غیر محصی و عقل سلیم و فهم مستقیم خصوصاً کتاب مستطاب نصابالصبيان که اکثر معانی عباراتش به حجاب غیب متواری و محتجب است زیرا که از هر بحری نهری و از هر شجری نهری را حاوی و علماء اعلام و فضلا عظام شکراله مساعیهم بذل مهج و خوض لحن در شرح لغات و مطالب آن نموده‌اند لکن به میانه حجت پروردگار و امام روزگار خاتمه‌الایمه و غوث‌الایمه خلیفه الرحمن محمد بن الحسن المهدی عجل‌الله ظهوره کتاب قطرات در شرح نصاب از تالیفات جناب مستطاب شریعتمدار عمدة الفضلاء و فخر الادباء اوق النفاة ملک النحاة آقای وثوق العلماء سلمه‌الله تعالی جامع قواعد شریفه و زوائد لطیفه و شواهد قرآنی و دلائل فرقانی و محققات رشیده و منضات ائیمه از بین شروح ممتاز است امتیاز دره از ذره سعی و اهتمام در تصحیح لغات آن میدول داشته خصوصاً لغات مشتبه در خاتمه آنچه سابق به طبع رسیده ناقص و غلط و غیرنافع بود باقی اشعار را جمع آوری نموده همت به اصلاح آن گماشت و بعضی از اشعار از آن که موافق لغت نبود تبدیل به شعر دیگر که انفاطش موافق لغت بود نمود امید است محل وثوق علماء و اعتماد فضلا شود ... و چون بحر عجم بیکران ( و ) غوص در تمام آنها غیر مقدور لذا از هر بحری قطره‌ای بقدر فهم خود اخذ نموده مجموعه را به قطرات موسوم معذک به جهل لدنی خود مدعن و معترف است از انه الله عنا بکره انه جواد کریم . بانی طبع این اوواق شریف جناب مستطاب عمدة التجار و زبده الاخیار ثمره شجره بزرگی المیری عن کل شیئی الاقا میرزا حسین ولد ارجمند جناب مستطاب عمدة الارکان آقامیرزا بابا تاجر کاشانی ساکن طهران ... و مولف در تاریخ اتمام کتاب فرماید :

ای سر ظن سوء و بخل وحسد

گر بدل هست سوز تو بیخیش

حال تاریخ او نداند شیخ

بشنو از من مکتوبی تو بیخیش

یکی اتمام درون رکورد رقم

« قطرات وثوق » تاریخش ۱۳۲۳

در ایام قطرات تاریخ دیگر چند است و آنهم به شرح ذیل :

الف . شارح عمدة الفضلاء و فخر الادباء به « جهل لدنی خود مدعن و معترف است . »

ب . در آغاز کتاب ، کتف‌الابیات بدست داده شده به « جهت هیوات باطن و صلب » .

ج . صورت کسی که « حقر المؤلفین هنگام تحریر این کتاب ... جمع آوری نموده و حین التالیف و التمیق و التوضیح و التصحیح آنها را شک اعتبار خود ساخته » و ساحت کمات را از عبار شبهات برداخته بدست داده شده . این صورت بیش از ۹۲ چند کتاب را شامل می‌شود .

د . کتاب « قطرات » در پایان دارد و به این مناسبت مؤلف نام کاملی در کتاب خود زده که در صفحه دوم « کتاب المستطاب مسمی بقطرات »

نگاشته شده روشن می‌کند و معلوم می‌شود که نام کتاب « قطرات » نیست و « قطرات العلوم » است .

ه . در آغاز و انجام کتاب دو ورق خطی صحافی شده است که

همین است که در حد چندان می‌کند . این دو ورق یقیناً بل محتملاً بعد از طبع کتاب نوشته شده و در حین صحافی به اصل کتاب اضافه شده است . در

صفحه اول که در صدر کتاب است دو تاریخ تحریر دیده میشود :

« لیل دوشنبه ۱۵ شهر ( نام ماه ندارد ) ۱۳۳۵ » و در جای دیگر : « لیل شنبه چهاردهم شهر ربیع الثانی » ( قید سال ندارد ) .

در این صفحه سه شعر قامی شده است به این شرح و ترتیب :

بالای صفحه با مرکب بنفش و قام ثنین و خط نامرغوب : بسمه مبارک استخاره ها :

یکی نیک و دو بد باشد سه از محنت برآمدگار

چهارم سعد پنجم نحس و شش خوب است ولی دشوار

زهفتم کام دل‌یابی مرادت می‌شود حاصل

ز هشتم خوب باشد لیک بعد از مدت بسیار

در میان صفحه ، سمت چپ و با مرکب سیاه نزدیک به بنفش :

معنا  
آن چیست که در بادیه منزل دارد  
سیصد سرو یا دوست گردن دارد  
با بیست شکم شش کمر و سیصد پا  
هر کسی که بگوید عقل روشن دارد

( خرگوش به حساب حروف )  
بقیه در صفحه ۶۳

## سیچقان ٹیل (بقیہ)

و در پائین صفحه از چپ بر راست و با همان مرکب :  
آن چیست که ویرا نخورد هرگز زن  
گر مرد خورد قوی شود اورا تن  
نرم است و لطیف است ولی خوردن وی  
نه دست بکار آید و نه لب نه دهن .

و اضافه می فرماید « بعضی مثال به شهادت زدند لیکن پیش از حسین  
و بعد از حسین اورا تن قوی شود و زن ناامید است و بعضی به اجتهاد  
مثال زدند که آن را هم زن مانع است .  
در صفحه دوم قسمت بالا :

« از جهت آیین بودن از شر شیطان و خلائق و اگر کسی در زندان  
باشد به این آیات شریفه مداومت نماید خلاصی می یابد آیاتیکه در هر آیه  
ده قاف است ، آیه اول در سوره بقره است ... آیه دوم ... الی آخر .

در پائین صفحه ، اسامی بعضی کتب قدیمه . صفحات سوم و چهارم  
اسامی بعضی کتب قدیمی را حاوی است .

و . مالک این نسخه که به قطع وزیری در مطبعه میرزا علی در سنه  
۱۳۲۴ ه . ق . به چاپ سنگی رسیده به درستی معلوم نیست .

در ص . اول خطی ، نویسنده «الفقییر العیاض محمدعلی» امضاء  
می کند .

در ص . دوم خطی نوشته شده است : «این کتاب مال آقا شیخ محمد  
(یک کلمه لایق)» .

روی این جمله خط کشیده شده است .

در ص . سی و پنجم ، نام صاحب کتاب با مرکب نوشته بوده است که  
مع التأسف کسی آنرا نیسیده است شاید کار یکی از مستشرقین باشد و در هر  
حال خوشبختانه هنوز هم سه کلمه « این کتاب سال ... » خوانده می شود .

در ص . پنجاه و سوم ، حاشیه بالای صفحه به خط ناپخته ای نوشته  
شده : « این کتاب مال است ... »

در ص . ۵۴ ، حاشیه بالای صفحه و باعداد . « این کتاب مال  
حسین آقا اندری » .

در ص . ۵۵ ، حاشیه بالای صفحه با مرکب و به خطی ناپخته :  
« این کتاب مال آشیخ محمد چاکر علی » .

در ص . ۷۲ ، حاشیه بالای صفحه ، باقلم و با خطی بسیار بختی  
از خطهای گذشته : « این کتاب مال آشیخ محمدعلی چاکر احمد » .

در ص . ۷۷ ، حاشیه بالای صفحه دوبار مهور شده است که یکی  
ناخوانا است و در آن دیگری لفظ «حسین» خوانده می شود .

ادامه دارد

## صندل لی لی



مخصوص خانمها



فقط در فروشگاههای کفش ملی

## کوستاگاورز (بقیہ)

را قدری در اروپا گردش دهد ؟ می گوید ممکن  
است فضای سیاسی ، تا اندازه ای دراز و یاقابل  
توجیه باشد ، اما من باید بروی داستانهای  
واقعی کار کنم .

درباره چگونگی ساختن فیلم آخرش داستانهای  
شنیدنی برایم تعریف کرد که واگویی آن را به  
وقت دیگری میکنارم . چنان از برخی ماجراهای  
سیاسی امریکای لاتین پرده برمیداشت که پنداری  
سالها دو کشور نهایی بحران بوده . باین همه ،  
گاورز از حیث جهان بینی اش باید تکلیف منقادان  
و دوستدارانش را معلوم کند . زمان ، زمان  
التزام است ، این درست ، اما باید دید چرا او  
فانش و آگاهیش را - یکبار - ناآگاهانه بخدمت  
گرفت یا گذاشت وسیله تبلیغ فاجدهای بزرگ  
شود . تازه اگر هم گاورز از این حیث ، آگاهانه  
فیلم اعتراف را ساخته باشد ، باز باید پرسید آیا  
انگشت بروی مهم ترین ضرورت های زمان خود  
در چنین دوران بحرانی گذاشته است ؟ گاورز  
آیا می داند که الزامها و مضیق های زندگی مردم  
جهان سوم - که او خود را سخت به آنها وابسته  
می داند - تا چه اندازه به واقعیت های ژرف تر  
از آنچه در فیلم اعتراف بتکرارش کشید ، نیاز  
دارد ؟ در چنین جهانی مساله ی نان و چرای های  
کمبود آن مطرح است نه نمایاندن آن گونه  
اشتقاق های فکری و نفاق ها و دو دستی ها که  
هیچ چیز اگر نباشد دست کم تضادها و شکافها را  
عمیق تر خواهد کرد .

کوتاه شده ی یک گفت و شنود دراز

## صندل کاسپین



مخصوص آقایان



فقط در فروشگاههای کفش ملی